

# قضیات محاکم

رأی دیوان عالی تمیز

۱ - در مورد تشخیص خبره در امور جزائی و تطبیق عمل بر ماده ۱۵۲ قانون مجازات

۲ - در مورد استناد متمم بدفاتر اداری

مدعی العموم یکی از آنها قبضی بوده که از طرف مشارالیه دعوی جعل و الحاق شده و برای کشف و ثبوت این مطلب ابراز اصل آنرا تقاضا کرده ولی اصل آن ابراز نشده تا صحت دفاع مزبور معلوم گردد.

۲ - اشخاصیکه برای تطبیق خط و امضاء مشارالیه در ورقه منسوب باز باخط و امضاء اساس تطبیق بعنوان خبره انتخاب شده اند تخصص و اطلاعات فنی این عمل را نداشته اند.

۳ - عمل اتسابی باماده ۱۵۲ قانون مجازات عمومی که مستند حکم محکمه است تطبیق نمیکند زیرا سمت مشارالیه تحصیلداری یا مشاغل دیگر مذکور در آن ماده نبوده و فقط بموجب حکم رئیس اداره محل وبدون حکم رسمی بعنوان نویسندگی مشغول کار بوده است و اگر رئیس صندوق آنجا که عنوان امانت داری داشته وظیفه خود را بمشارالیه محول کرده باشد اینعمل ایجاد وظیفه برای او نمیکند و مسئول تادیبه وجه مورد دعوی اختلاس در مقابل دولت خود رئیس صندوق میباشد و بهمین لحاظ دیوان جزاء هم برای رسیدگی باتهام مشارالیه صالح نبوده.

۴ - محکمه فقط پنج روز برای مراجعه بیروننده باو وقت داده و این مدت برای تهیه وسایل دفاع کافی نبوده است.

۵ - بموجب ورقه که عکس آن ضمیمه لایحه تمیزی شده رئیس صندوق یکروز قبل از تاریخ قبض رسیداتسابی بمشارالیه ارسال وجه را بناداره مالیه اعلام داشته که حاکی از بی اساسی قبض مزبور است و چون این ورقه در موقع

طبق ماده ۱۵۲ قانون مجازات عمومی - هر يك از تحصیلداران و معاونین آنها و امانت داران و محاسبین و امضاء صندوق دولتی که تقدیمه و یا اسناد و اوراق یا اشیاء منقول که بر حسب وظیفه سپرده بآنها است اختلاس یا هر گونه تصرف غیر قانونی نماید علاوه بر مال و پرداخت دو برابر غرامت به انفصال از خدمت محکوم خواهد شد.

بموجب جزء ۸ از قانون متمم قانون دیوان جزاء - مقصود از وظیفه مذکور در ماده ۱۵۲ نه تنها وظیفه است که بموجب قانون یا نظامنامه معین شود بلکه هر کار و وظیفه که مستخدم رسمی یا غیر رسمی عملاً و یا بامر مافوق انجام میدهد وظیفه او باید شناخته شود و هر تصرف غیر قانونی در اموال مذکور در آن ماده که سپرده بشخص مستخدم یا سپرده به مستخدم مادون است بعمل آید اختلاس محسوب است.

کسی باتهام اختلاس مبلغی از صندوق دولت مورد تعقیب واقع و دیوان جزا پس از رسیدگی و تطبیق عمل باماده ۱۵۲ و ماده ۳ و شق ۲ از ماده ۲ قانون مجازات مختلسین اموال دولتی و رعایت تخفیف بااستناد ماده ۴۴ او را بششماه حبس تادیبی و انفصال همیشگی از خدمت دولت محکوم کرده است - محکوم علیه تمیز خواسته و اعتراضاتی کرده - دیوان عالی تمیز شعبه ۲ در حکم شماره ۹۸۲۵ ر ۲۵۷۸ بتاريخ ۱۶/۱/۳۴ چنین رأی داده است :

اعتراضات متمم :

۱ - نسبت برسدیازده فقره قبوض که بر حسب دعوی

است یاخیر ولی قضات مقید نیستند اثری که هر يك از مدارك در ذهن آنان کرده است تشریح نموده و شدت و ضعف مدارك را نسبت به یکدیگر توضیح دهند این معنی را دیوان عالی تمیز چنین بیان کرده است: «راجع به دلائل و مدارك كار اگر قضات الزام دارند که در حکم خود وجباتی را که منجر به صدور حکم شده قید نمایند مکلف نیستند تمام مداركی که موجب حصول یقین شده است توضیح دهند»

و برخلاف دیوان تمیز هر رائي که وجود عناصر جرم را قید مینماید بدون اینکه ذکر کند دلائل نتیجه مذاکراتی است که در پرونده کار منکس و در جلسه طرح و راجع به آنها بحث شده نقص میکند يك رائي که بدین طریق انشاء شده بود مورد نقص تمیزی واقع گردید: «متهم عمداً ضرب و جرح به آقای . . . . . وارد آورده است» و رأی تمیز بدین طریق در این موضوع صادر گردید: «نظر بانکه این طرز انشاء حکم اجازه نمیدهد که مجرمیت متهم احراز گردد و معلوم نیست که رأی قضات منکی به دلیل باشد که قانون اجازه داده است لذا نقض میشود»

۸ - دلیل و مدرکی که از يك صورت مجلس راجع

بامور خلافي و بعضی از جنحه ها نتیجه شده است حدود و حصر دیگر یا استثناء دیگری که بقاعده حصول یقین برای قاضی قائل شده اند (یعنی حصول یقین از راه غیر از وجود مدرك کتبی) عبارت است از اینکه در بعضی موارد راجع بامور جنحه و در تمام موارد در امور خلافي صورت مجلس دلیل حقیقی و قانونی محسوب میشود اگر بگوئیم صورت مجلس هم مدرك کتبی است جواب این است که در امور جنائی و جنحه بطور کلی صورت مجلسها نمیتوانند بمنزله مدرك کتبی محسوب شوند.

و فقط برای این است که توضیحاتی را بدهند و ذهن قاضی را روشن کنند ولی در هیچ مورد حصول یقین برای قاضی نمیتوانند برعکس همیشه در مورد امور خلافي و استثناء در مورد جنحه های پیش بینی شده در قوانین مخصوص صورت مجلس مدرك کتبی محسوب شده و تا خلاف آن ثابت نشود حجت است. ش. امیرعلایی

کرده است استماع شهادت شهود بازرسی توقیف اشیاء خبر ویت ر برای تحصیل هر يك از مدارك مزبور شرایط و صورتی را تعیین نموده و هر وقت که مدارك مزبور واجد تشریفات قانون تعیین کرده است نبود و قانون آن تشریفات را اساسی شناخته بود عدم انجام تشریفات مزبور موجب بطلان حکم یا قرار صادره خواهد شد زیرا که آن مدرك منکی به اصول قانون نیست بطور مثال آنکه اگر شهادت شاهی استماع شود بدون اینکه شاهد مطابق قانون قسم یاد کند شهادت بی اثر خواهد بود و این عدم تأثیر در حکم هم تأثیر دارد باین معنی که حکم را کلاً لم یکن خواهد کرد

ولی باید خاطر نشان شد که اگر شهادت شهود یکی از عناصر اصلی حصول یقین برای قاضی نبوده است بی اثر بودن شهادت حکم را از تأثیر نمیاندازد زیرا که شهادت شاهد تأثیری در وجدان قاضی نداشته است

ب - حدودی که در موضوع امور جنحه و امور خلافي قائل شده اند

۷ - لزوم مدلل بودن احکام

اگر سیره بر این جاری است که هیچیک از مدارك بتنهائی قوت قانونی نه وجدان قاضی را قانع نمایند نخواهد داشت بلکه مجموع دلائل و مدارك و مذاکرات در جلسه یقین ایجاد می کنند این سیره وقاعده بطور مساوی در موضوع خیانات جرمهای جنحه و خلاف اعمال نمیگردد و در مورد امور جنحه و خلاف حدودی دارد اولین حصری که قائل شده اند و حدی که بران اعمال این قاعده مقرر داشته اند این است که در امور جنحه و خلاف بر خلاف امور جنائی بایستی مدارك کار را ذکر نمود ماده ۲ قانون ۲۰ آوریل ۱۸۱۰ مقرر داشته است که دادگاههای جنحه و دادگاههای خلاف تعیین نمایند

بچه طریق دلائل در مقابل آنها اقامه شده است و این مطلب برای این است که دیوان تمیز بتواند واقف شود که آیا دادگاه روی اساس و پایه قانونی رای خود را قرار داده